

تأثیر جرم شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

رضا فرج‌اللهی*

چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پس از سال‌ها جدال فکری بین طرف‌داران و مخالفان، متأثر از دیدگاه جرم‌شناسان اثبات‌گرا، مورد قبول واقع شده و در اواخر قرن بیستم به تدریج وارد قوانین کیفری کشورهای اروپایی و آمریکا گردید. مبنای این مسئولیت، مسئولیت نیابتی است. نماینده یا ارگان شخص حقوقی که به نام شخص مذکور یا در جهت منافع آن، اقدام می‌کند، مسئولیت کیفری خود و شخص حقوقی را موجب می‌شود.

واژگان کلیدی

جرم‌شناسی اثبات‌گرا، مسئولیت نیابتی، مسئولیت ناشی از فعل غیر، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، اشخاص حقوقی، حقوق عمومی، تفویض اختیار.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

مقدمه

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از مباحث بحث برانگیز و پرجدال دو قرن اخیر می‌باشد. مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر این باور خود پافشاری می‌کردند که اشخاص حقوقی به علت فقدان اراده و شعور نمی‌توانند پاسخگوی اعمال اشخاص حقیقی باشند که به نام آن‌ها مرتکب جرم می‌شوند.

رشد روزافزون فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی، تولیدی، خدماتی اشخاص حقوقی و آثار زیانبار بعضی از فعالیت‌های آنان بر محیط‌زیست و آلوده کردن آب‌ها و فضاهای طبیعی و ایجاد محیط‌های خطر برای کارکنان خود و دیگران، ضرورت پاسخگو بودن آن‌ها روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شد. با غلبه دیدگاه اثبات‌گرایان مبنی بر نفی اراده آزاد مرتکب و ابتدای مسئولیت کیفری بر حالت خطرناک، زمینه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراهم شد و در کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی وارد قوانین کیفری شد. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۹۹۲ فرانسه به عنوان نمونه کامل قوانین کیفری اروپایی مثال‌زدنی است. ماهیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مسئولیت نیابتی پایه‌گذاری شده و عمل عامل یا نماینده شخص حقوقی، علاوه بر اینکه موجب مسئولیت کیفری وی می‌شود، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را نیز به دنبال می‌آورد.

سؤال این است که آیا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز از آموزه‌های جرم‌شناختی، همانند اشخاص حقیقی، تأثیر پذیرفته است؟ و اگر پاسخ مثبت است این تأثیر از کدام مکتب جرم‌شناختی بوده است؟

در این مبحث ابتدا مبانی نظری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و سپس شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و آن‌گاه ضمانت اجراها، (آثار مسئولیت کیفری) اشخاص حقوقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: مبانی نظری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

برای ورود به موضوع ابتدا باید شخص حقوقی را تعریف کرد. بعضی گفته‌اند شخص حقوقی از اجتماع و تشکل اشخاص یا اموال که دارای شخصیت حقوقی است، تشکیل می‌شود و در نتیجه از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌گردد.^۱

در تعریف دیگر، شخص حقوقی تشکلی است که دارای شخصیت حقوقی و حیات فرضی است که برحسب نوع فعالیت از اهلیت دارا بودن حق و انجام تکالیف برخوردار می‌شود، مانند انجمن‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات انتفاعی، دولت و مؤسسات عمومی.^۲

در تعاریف دیگری شخص حقوقی موجود فرضی یا اعتباری تلقی نشده بلکه به عنوان یک «واقعیت اجتماعی» تعبیر شده است. می‌توان گفت شخص حقوقی عبارت از تشکلی است که به عنوان یک واقعیت اجتماعی از اجتماعی اشخاص حقیقی یا حقوقی برای مقاصد مختلف مانند کسب منفعت یا انجام خدمات عمومی یا امور فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حرفه‌ای یا شغلی، به وجود آمده و دارای اهلیت دارا بودن حق و تکلیف است.^۳

موضوع سخن این گفتار آن است که شخص حقوقی را چگونه می‌توان دارای قابلیت تمتع حق و عهده‌دار شدن تکلیف دانست و در قبال اعمالی که به نام و حساب وی توسط ارگان‌ها یا نمایندگان شخص حقوقی انجام می‌شود، مسئول تلقی کرد؟ به عبارت دیگر اساساً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بر چه اساس می‌توان توجیه کرد؟ کدامیک از

1. Guillien (Raymond), Vincent (Jean), Lexique Tetrmes Juridique, Dalloz, 1995,p.398.

2. Cornu (Gerar), Vocabulaire Juridique, Association Capitan Henri, puf 1999.

۳. فرج الهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۶، ص ۱۸.

مبانی توجیهی مسئولیت این اشخاص از جرم‌شناسی نشأت گرفته است؟ در مورد ماهیت اشخاص حقوقی سه نظریه ابراز شده که به‌طور مختصر به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی

این نظریه را پاره‌ای از علمای حقوق، تحت تأثیر افکار جامعه‌شناسان و روان‌شناسان طرف‌دار مکتب جامعه‌گرا^۴ مطرح کرده‌اند. آنان شخص حقوقی را یک واقعیت می‌دانند. با توجه به نقش انکارناپذیر اشخاص حقوقی در زندگی اجتماعی، برای آنان وجودی اصیلی، عینی و واقعی قابل هستند. طبق این نظریه اشخاص حقوقی موجوداتی اعتباری یا فرضی نیستند که قانون آن‌ها را فرضی یا اعتبار کرده باشد، بلکه واقعیتی اجتماعی و خارجی هستند که بر قانون‌گذار تحمیل شده‌اند و وجودی مستقل از اعضاء و متمایز از کسانی که آن‌ها را تشکیل داده‌اند، دارند. منافع و مصالحی برای آنان می‌توان تصور کرد که با منافع یکایک اعضاء متفاوت است و حتی گاهی متضاد با منافع اعضاء می‌باشد.

طرف‌داران این نظریه شخص حقوقی را دارای اراده‌ای جمعی می‌دانند که با این که از مجموع اراده‌های اعضاء تکون یافته ولی وضع روحی جسمی ایجاد کرده که با یکایک اراده‌ای اعضاء متفاوت است که از آن به «روح جمعی» یا «اراده جمعی» یا «شعور و وجدان جمعی» تعبیر می‌کنند.^۵ وجود این اراده مستقل از اعضاء اساس مسئولیت مدنی و کیفری از جانب شخص حقوقی است و همین اراده مستقل است که به شخص حقوقی، امکان انجام تعهدات، تملک اشیاء و اموال را می‌دهد. مبنای مسئولیت مدنی شخص حقوقی خطا است، خطایی که می‌تواند هم اساس مسئولیت مدنی قرار گیرد، هم مسئولیت کیفری

4. Collectivism

۵. صفار، دکتر محمدجواد، شخصیت حقوقی، نشر دانا، ۱۳۷۳، ص ۹۹.

شخص حقوقی را توجیه کند. منشأ مسئولیت قهری و قراردادی شخص حقوقی، تقصیر یا خطای مدنی است و جوهر و ماهیت آن را اراده فاعل تشکیل می‌دهد که اراده جمعی شخص حقوقی است که از اجتماع و هماهنگی اراده اعضا تشکیل شده است.^۶

حسب این نظر اشخاص حقوقی دارای آغاز و پایان (تولد و مرگ) و اعضا و اندام هستند، اراده آنان از طریق آن اعضا ظهور و بروز پیدا می‌کند گیر که حقوق دان آلمانی برای اشخاص حقوقی وجودی واقعی قایل است که مبنای مسئولیت شخص حقوقی را تشکیل می‌دهد. او نظریه اندامی یا ارگانیک شخص حقوقی^۷، را ارائه داد، برداشت او از ملت طبق این نظریه، برداشتی ارگانیکی است که برای ملت اراده‌ای مستقل از اعضا و موجودیتی متفاوت از گروه‌های سازنده آن قایل است، قوه مقننه را عضوی از این اندام می‌داند که بیان‌کننده اراده ملت است. طرف‌داران مکتب اثباتی و پیروان آگوست کنت و امیل دورکیم نیز معتقدند که از اجتماع و اتحاد افراد موجودی مادی شبیه به یک شخص حقیقی پدید می‌آید که دارای اراده ممتاز از اعضا پدیدآورنده آن است^۸ تعریفی که دورکیم از جرم ارائه می‌دهد که «حالت قوی وجدان جمعی را» جریحه‌دار می‌کند، گویای اعتقاد او به وجدان جمعی جامعه و شخصیت حقوقی مستقل از اعضا است. نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی، یکی از واقعیت‌های جرم‌شناختی است که مورد تأیید علم جرم-شناسی و سیاست جنایی و حقوق معاصر قرار گرفته است.

۶. احمد محمد قائد مقل، مسئولیت الجنایه للشخص المعنوی، دراسه المقارنه، دارالنهضة العربیه، ۲۰۰۵، ص ۴۸.

۷. صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۱۱۰.

۸. صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۱۱۰.

9. Delmas(Marty), Mireille, Droit pénal des Affaires, Partie générale, Tome 1, puf. 1996.p 122.

ب) نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی شخص حقوقی

طرف‌داران این نظریه می‌گویند، شخص حقوقی وجود واقعی ندارد؛ بلکه دارای وجودی فرضی است. زیرا، شخصیت واقعی تنها متعلق به انسان است. استعمال شخصیت، برای اشخاص حقوقی یا موجودات دیگر، مجازی و فرضی است. براساس فرض قانون-گذار است که جمعیت‌ها و گروه‌ها، شخصیت پیدا می‌کنند. اشخاص حقوقی، شخصیتی به صورت واقعی، مستقل از اعضاء و خود ندارند و بدون دخالت و یا تقصیم دولت وجود پیدا نمی‌کنند. اراده شرط اجتناب‌ناپذیر مسئولیت است که فقط موجود انسانی از آن برخوردار است. حق، توانایی و قدرت ارادی است، صاحب حق باید دارای اراده و شعور باشد. به علاوه لازمه تحقق جرم ارتکاب عمدی یا غیرعمدی عمل خلاف قانون است، لازمه عمد و اراده مجرمانه، داشتن شعور و ادراک است که شخص حقوقی فاقد آن است. هر عملی که به نام شرکت‌ها و گروه‌ها انجام می‌گیرد، به وسیله اشخاص حقیقی که عضو آنها هستند، صورت می‌گیرد. بنابراین شخص حقوقی را نمی‌توان مورد تعقیب قرار داد.^{۱۱}

زیرا، دارای وجودی فرضی و اعتباری است و به موجب قوانین و مقررات به وجود آمده است،^{۱۲} این نظریه براساس مکتب اصالت فرد^{۱۳} ایجاد شده است. زیرا، در این مکتب آنچه اصالت دارد فرد انسانی و اراده او است.^{۱۴}

10. Pradel (Jean) Droit pénal général, 12^{ème} édition, Cujas, 1999, p 502.

۱۱. محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱.

12. Picard, (Etienne), Revue des Sociétés, Extrait No. 2, 1993, Paris, p 261.

13. Individualité.

۱۴. صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۱۱۴.

ج) نظریه اعتباری

ابتدا باید دید ادراکات اعتباری یعنی چه؟ ادراک اعتباری را در مقابل ادراک حقیقی به کار می‌برند. ادراک حقیقی اکتشاف و انعکاس ذهنی واقع است. اما اعتبارات فرض‌هایی هستند که ذهن به منظور رفع نیازهای حیاتی و ضروری زندگی، وضع می‌کند و جنبه قراردادی و اعتباری دارد. ادراکات حقیقی تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص زندگی نیست، ولی ادراکات اعتباری تابع احتیاجات ضروری و عوامل محیط است و با تغییر نیازها و عوامل محیط تغییر می‌کند.^{۱۵}

موجودات مانند حیوان و انسان برای رفع نیاز خود و حفظ وجود و بقای زندگی، آنچه را که مورد نیاز است، به خود اختصاص می‌دهند. علت این امر آن است که یک فعل نمی‌تواند دو فاعل داشته باشد. بنابراین هر کسی از این که دیگری در کارش مداخله کند یا دخل و تصرفی نماید، جلوگیری می‌کند و این همان اصل اختصاص است.^{۱۶} این اصل مربوط به انسان موجودات زنده است و شخص حقوقی نمی‌تواند مرتکب جرم شود. زیرا، از زندگی حقوقی از لحاظ اجتماعی برخوردار نیست.^{۱۷} اختصاص در قلمرو حقوق مدنی با اختصاص یا اختصاصیت در قلمرو حقوق کیفری و جرم‌شناسی، متفاوت است. در خارج از قلمرو اموال هم، از حق اختصاص اشیاء به اشخاص بحث شده است. ممکن است چیزی قابل مبادله نباشد، ولی اختصاص به فردی داشته باشد، مانند آلبوم عکس خانوادگی، یا

۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، مشهور به علامه طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد دوم، انتشارات صدرا، ص ۳۱.

۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدتقی مصباح، جلد سوم، مؤسسه دارالعلم قم، ص ۷۳.

17. Pradel, (J), op.cit p 502.

مانند خانه‌ای که موقوف علیه از مصالح موقوفه بنا کرده است، که اختصاص به سازنده آن دارد.^{۱۸} در حالی که اختصاص در قلمرو حقوق کیفری، به معنی اختصاص ارتکاب جرم به موجود انسانی است و لاغیر.

نظریه اعتباری طرف‌داران جدی در میان حقوق‌دانان غربی دارد که اعطاء شخصیت به شخص حقوقی را، مسأله حقیقی یا مجازی بودن شخص حقوقی نمی‌دانند و بحث حقیقت و مجاز بودن شخصیت شخص حقوقی را امری مجعول و ساختگی می‌دانند. بلکه آن را امری اعتباری می‌شمرند و اشخاص حقوقی را موجودات حقوقی و اعتباری محسوب می‌کنند.

طبق این تحلیل شخص حقوقی یک مرکب اعتباری است. بعضی دیگر شخص حقوقی را یک مرکب حقیقی می‌دانند. طرف‌داران فردگرایی (اصالت فرد) به اعتباری بودن ترکیب شخص حقوقی اعتقاد دارند. مانند ترکیب جنگل از درختان. جامعه‌گرایان بر این باورند که شخص حقوقی یک ترکیب حقیقی است و اعضاء آن بعد از ترکیب، زمینه یا پدیده جدید را به وجود می‌آورند.^{۱۹}

بعضی ترکیب اجتماع را یک ترکیب منحصر به فرد می‌دانند، که برای آن مشابهی نمی‌توان یافت. به عبارت دیگر ترکیب جامعه از افراد نه یک ترکیب اعتباری است مانند درختان یک باغ که هر درختی زندگی مستقلی دارد، نه یک ترکیب طبیعی و حقیقی است که افراد در شئی مرکب مستحیل شوند. در این ترکیب روح‌ها و اندیشه‌ها یکی می‌شوند. ولی اعضاء در هم دیگر تأثیر و تأثر عینی دارند و موجب تغییر همدیگر می‌شوند. و اجزاء و هویت جدید پیدا می‌کنند. در مورد اشخاص حقوقی هم می‌توان چنین تصویری داشت.

۱۸. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، ص ۱۳.

۱۹. صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۱۱۸-۱۲۱.

درست است که اشخاص حقوقی از افراد مختلف تشکیل شده‌اند، ولی شخص حقوقی وجود مستقل دارد و واقعیتی جز واقعیت شخص حقیقی دارد. با این وجود عقیده فرضی بودن شخص حقوقی کاملاً بی‌اساس است. زیرا، وجود فرضی وجودی ذهنی است و با انصراف ذهن از آن نابود می‌شود در حالی که اشخاص حقوقی خواه ذهن آن‌ها را تجسم کند و خواه انصراف از آن‌ها پیدا کند، دارای وجود عینی و واقعی هستند. مثلاً موقوفات، مساجد و مدارس واقعیت عینی و ملموس دارند، این که موجوداتی که دارای اراده هستند، می‌توانند از داشتن حقوق بهره‌مند شوند و تکالیفی را بر عهده بگیرند و موجودات فرضی نمی‌توانند توانایی دارا بودن حق و تکلیف را داشته باشند، قابل قبول نیست. چه حق را نوعی سلطنت و چه قدرتی اعتباری قراردادی و چه نوع رابطه، بدانیم، حق به تعبیر صاحب‌المیزان نوعی اختصاص است که قبل از تشکیل جامعه هم وجود داشته است و پس از تشکیل به اشکال گوناگونی ظاهر می‌شود، بلکه یکی از آن‌ها حق مالکیت است، اختصاص که قبل از جامعه وجود داشته به وسیله اعتبار، متنوع و مفصل شده است.^{۲۰}

بنابراین اگر حق را اعتبار شیء به شیء دیگر بدانیم و آن را به انسانی که دارای قدرت اراده است، اختصاص دهیم، حق به انسان تنها اعتبار نمی‌گردد. اعتبار برای تنظیم روابط اجتماعی و تأمین مصالح و نیازهای فردی و اجتماعی وضع شده و هر امر اعتباری به واسطه یا بلاواسطه از امری تکوینی یا حقیقی نشأت گرفته است و برای شناخت آن، توجه به الگوی تکوینی نقش مؤثری دارد. هم چنین انگیزه عقلایی در اعتبار امور ضروری است در اسناد مالکیت به اشخاص حقوقی، انگیزه عقلایی، رفع نیازمندی‌های آنان است. خواه اراده منبع حق باشد، خواه نفعی که حقوق آن را مورد حمایت قرار داده باشد و صاحب حق

۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۱۹ به نقل از صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۲۴.

کسی باشد که از آن نفع ببرد.^{۲۱} چه «اراده» و «نفع» را رها کرده، حق را سلطه اختیاری بدانیم که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد.^{۲۲} شخصیت حقوقی امری اعتباری است ولی این امر دلیل بر آن نیست که وجود آن هم اعتباری باشد، بلکه این عنوان اعتباری برای موضوعات واقعی جعل شده است.

پس از بررسی نظریه‌های ابرازی در مورد شخص حقوقی، لازم است به طور خلاصه نظریات مخالفان و موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مطرح شود. می‌دانیم شخصیت، اهلیت دارا شدن حقوق و اجرای تکالیف است. اشخاص حقوقی در قلمرو حقوق خصوصی (حقوق مدنی و تجاری) از اهلیت دارا بودن حق و التزام به تکالیف، برخوردارند و هم می‌توانند طرف تعهد و قراردادها قرار گیرند و هم دارای مسئولیت مدنی هستند؛ مگر حقوق و تکالیفی که مخصوص موجود انسانی است، مانند حق بنوت، ابوت، زوجیت و غیره.^{۲۳}

در امور کیفری در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی سالیان سال بین حقوق‌دانان و متفکران، اختلاف نظر وجود داشت. عده‌ای مخالف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بودند. مخالفان سه دلیل عمده برای مخالفت خود ذکر می‌کردند. یکی اینکه جرم را فقط اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب شوند و اشخاص حقوقی که از وجود واقعی و زندگی حقوقی بی‌بهره‌اند و دارای وجود فرضی‌اند نمی‌توانند مرتکب جرم شوند (اصل اختصاصیت)، دوم اینکه، اشخاص حقوقی از قدرت اراده و اختیار بی‌بهره‌اند و بزه را نمی‌توان به لحاظ نداشتن اهلیت کیفری به آنها منتسب نمود. سوم اینکه اشخاص حقوقی را

۲۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت انتشار، سال ۱۳۷۵، ص ۱۹۳.

۲۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، پیشین، ص ۱۹۵.

۲۳. اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۳.

نمی‌توان مقصر شناخت و مجازات‌های حبس و اعدام و تبعید را در مورد آن‌ها به اجرا درآورد. کیفر رساندن اشخاص حقوقی بر فرض امکان، موجب به کیفر رساندن اعضایی می‌شود که در ارتکاب جرم نقشی نداشته‌اند و این امر بر خلاف اصل شخصی بودند مجازات‌ها است.

موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال هر یک از این سه بیان، استدلال نسبتاً قوی در رد آن، ارائه داده‌اند.

در مورد ایراد اول، اظهار کرده‌اند که شخص حقوقی دارای وجودی واقعی است که قادر است بسیاری از جرایم را مانند کلاهبرداری، تقلب مالیاتی، خیانت در امانت، مرتکب شود و کلاً کلیه جرایمی را که لازمه آن فعالیت بدنی بلاواسطه است، می‌تواند محقق سازد. در عمل بزهکاری گروه‌ها و اشخاص حقوقی یک واقعیت جرم‌شناختی است. به علاوه آن‌ها از اراده خاصی برخوردار هستند که از برخورد چندین اراده فردی تکوین می‌یابد. عنصر روانی جرم در این مجال، محقق می‌شود.

دوم، در مورد اصل اختصاصیت، استدلال جالبی در قبال آن عرضه شده است. آنان گفته‌اند حتی اگر نتوان قایل به امکان ارتکاب جرم از ناحیه اشخاص حقوقی بود، فعالیت بعضی از تشکل‌ها به گونه‌ای است که ممکن است جرایمی را در پی یا در برداشته باشد. مجسم کنید کارخانه تولید کاغذی را که در عمل (پس آب‌های) آن موجب آلودگی آب‌های مجاور می‌شود هیچ دلیلی وجود ندارد که چنین کارخانه‌ای را مسئول ندانیم.

سوم، عدم هماهنگی و تجانس بین مفهوم مجازات و تشکل‌ها یا اشخاص حقوقی است. در مورد ماهیت بعضی از مجازات‌ها و عدم امکان اعمال آن‌ها در مورد اشخاص حقوقی، باید گفت: درست است که مجازات‌های سالب آزادی را نمی‌توان در مورد اشخاص حقوقی، به اجرا گذاشت، ولی مجازات‌های دیگری مانند، جریمه نقدی، مصادره، بستن مؤسسه، ممنوعیت در انجام بعضی از فعالیت‌ها و انحلال (که معادل اعدام است) کاملاً امکان اجرا دارند. این ایراد که هدف مجازات اصلاح مجرم است. و با اعمال مجازات‌های

مذکور این هدف تأمین نمی‌شود، نیز مردود است. زیرا سایر اهداف و کارکردهای مجازات، مانند ارباب و بازدارندگی که کاملاً با ماهیت اشخاص حقوقی سازگاری دارد. به علاوه درباره آثار مجازات اشخاص حقوقی بر افراد بی گناه گفته شده است، در مجازات کردن اشخاص حقیقی نیز چنین عواقبی متصور است، کسی که به زندان محکوم می‌شود، خانواده وی از آثار سوء زندان وی متضرر می‌شوند. این اندیشه در اواخر قرن نوزدهم اوایل قرن بیستم در غالب کشورهای غربی (انگلو ساکسون و اروپای قاره‌ای و غیره) پذیرفته شده است. و با توجه نقشی که اشخاص حقوقی در عرصه‌های اقتصادی، تولیدی، تجاری و صنفی و خدماتی به عهده دارند و رشد روزافزون آن‌ها و این که قلمرو فعالیت آن‌ها گاهی مرزهای کشورها را درمی‌نوردد و به چندین کشور و منطقه جغرافیایی، گسترش می‌یابد. از طرفی نوع فعالیت این شرکت‌ها (که گاهی متشکل از چند شرکت با ملیت‌های مختلفند) محیط زیست را به شدت در مخاطره افکنده، محیط‌های خطرزایی برای کارکنان خود به وجود آورده است، ضرورت مسئول بودن آن‌ها و اعمال مجازات‌های متناسب با ماهیت و نوع فعالیت آن‌ها، بیش از پیش محسوس و ملموس است. آنچه که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تسهیل کرد، کنار گذاردن دیدگاه کلاسیک، مبنی بر آزادی اراده و اختیار است که از مبانی مسئولیت کیفری محسوب می‌شوند. که لازمه آن دارا بودن اهلیت کیفری و قابلیت انتساب عمل به فاعل آن است.

24. Pradel, (J), op.cit.pp. 502-503, Despoertes (FRédéric) Le Gunehec (Francois) Droit pénal général, 12 ed, Economica, 2005, pp. 547. 548, Stefani (Gaston), Levasseur (George) Bouloc (Bernard), Droit pénale, général 20^{ème} édition, Dalloz, 2007, p 243.

رویکرد جرم‌شناختی اثباتیون مبنی بر نفی آزاد اراده و تقصیر و پی‌ریزی مسئولیت کیفری (یا اجتماعی) بر اساس عوامل درونی و بیرونی و حالت خطرناک و قبول این اندیشه که اشخاص حقوقی با فعالیت‌های گسترده خود، محیط خطرناکی برای کارکنان خود و دیگران و بهداشت و سلامتی جامعه و حفظ محیط زیست، به وجود می‌آورند، به خصوص واقعه یونیون کارباید^{۲۵} هند و چرنوبیل اتحاد شوروی (سابق) که هزاران کشته و مجروح بر جای گذاشت، روند پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را، سرعت بخشید و امروز به عنوان یکی از واقعیت‌های مسلم حقوقی پذیرفته شده است.

گفتار دوم: مبانی حقوقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

اینک که دانسته شد، اشخاص حقوقی به عنوان اشخاصی مسئول شناخته شده‌اند و در قبال بعضی از جرایم ارتكابی و نوعاً مالی، پاسخگو هستند، باید دید مسئولیت اشخاص حقوقی یک مسئولیت دسته‌جمعی است و نقش عاملان، نمایندگان یا مدیران شخص حقوقی در تحقق این مسئولیت و تحمل آثار و تبعات آن چگونه است؟ گفته شد شخص حقوقی به عنوان موجودی اعتباری دارای واقعیت خارجی (واقعیت اجتماعی)^{۲۷} که اراده‌ای مستقل از اعضاء تشکیل‌دهنده آن دارد. این اراده جمعی، منشاء آثاری است که حقوق و تکالیفی برای شخص حقوقی ایجاد می‌کند و جلوه‌ای از واقعی بودن وجود و ماهیت شخص حقوقی را نمایان می‌سازد. در مقام اعتبار به موجب متون قانونی، تکالیفی که مسئولیت آورند، برای آن‌ها وضع و اعتبار می‌کند.^{۲۸}

25 . Union Carbide.

26 . Corlett (Anglo) Rspnsibility and punishment, kluwer Academic publisher, 2004, p 130.

27 . Réalité sociale.

۲۸. فرج‌اللهی، رضا، پیشین، ص ۲۶.

بعد از بررسی مبنای نظری، مسئولیتی کیفری اشخاص حقوقی ابتدا لازم است، مبنای حقوقی این مسئولیت مورد واکاوی قرار گیرد.

۲۹ الف) مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر

یکی از اصول مسلم حقوقی، اصل شخصی بودن مجازات است، به موجب این اصل هر کس مسئول عمل خویش است و باید آثار و تبعات آن را تحمل کند. هیچ کس را نمی‌توان برای ارتکاب عمل غیر، مسئول دانست. بنابراین کسانی که به نحوی در تحقق مادی جرم به عنوان مباشر یا شریک یا معاون جرم، عهده‌دار نقشی بوده‌اند، باید پاسخگوی رفتار مجرمانه خود باشند. در قلمرو حقوق مدنی مسئولیت مدنی ناشی از فعل (خطایی) غیر با شرایطی پذیرفته شده است. این نوع مسئولیت در مورد کسانی صدق می‌کند که مسئول مراقبت یا کنترل رفتار دیگران هستند. مانند پدر و مادری که در مراقبت از کودک خود، سهل‌انگاری می‌کنند و موجب خسارت به دیگران می‌شود، که باید خسارت وارده را جبران کنند. یا کارفرمایی که بر رفتار کارگر خود نظارت دقیق ندارد و موجب ضرر و زیان غیر می‌شود و مسئول خسارت ناشی از کارگر شناخته می‌شود. مسأله این است که چه کسی مسئول ارتکاب جرمی است که به وسیله اعضاء یک تشکل به وقوع پیوسته است. آیا کسی که فعل مادی را انجام داده است، باید به عنوان مسئول مورد مؤاخذه قرار گیرد، یا تشکل و شخص حقوقی که به لحاظ عدم رعایت مقررات قانونی یا اداری که موظف به رعایت آن‌ها بوده است؟ ولی در عمل دیده می‌شود، در پی ارتکاب مادی جرم توسط یک

29. Responsabilité pénale du fait d'autrui.

آیه شریفه ۱۶۴ سوره مبارکه زمر، لاتزر وازره و زراخری و آیه ۲۸ سوره مبارکه مدثر، کل نفس بما کسبت رهینه، بر این معنی دلالت دارند.

کارمند یا کارگر، محکومیت کیفری گاهی نسبت به رئیس مؤسسه، صادر می‌شود که استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری اشخاص است.^{۳۰} اشکال عمده این نوع مسئولیت تعارض آن با اصل شخصی بودن مجازات است. برحسب این اصل شخصی که به مجازات عملی محکوم می‌شود باید شخصاً آن مجازات را به سزای جرمی که مرتکب شده، تحمل کند، عدالت مطلق اقتضاء می‌کند که فقط محکوم، دین خود را به جامعه ادا کند و بی‌گناهی جایگزین او نشود. امروز قوانین مختلفی بار مجازات عمل شخصی را بر دیگری که در تدارک فعل مادی نقش نداشته، تحمیل می‌کنند. او باید وجهی به صندوق دولت واریز کند، برای عملی که دیگری آن را صورت واقعیت بخشیده است.^{۳۱}

ب) مبانی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر

برای توجیه مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری دو نظریه ابراز شده است.^{۳۲} ۱. نظریه خطر: طرف‌داران این نظریه بر این باورند که ثروت و قدرت بیشتر، مسئولیت سنگین‌تری در پی می‌آورد. جامعه از حقوق کیفر انتظار دارد که او را مورد حمایت قرار دهد. این هدف هیچ‌گاه به خوبی تأمین نمی‌شود اگر جرم را فقط به کسانی منتسب کند که فعل مادی را انجام داده‌اند. تردیدی نیست که حمایت اجتماعی حقوق کیفری از شهروندان، بیشتر باید متوجه کسانی شود که با داشتن قدرت و ثروت خود، چرخ‌های کارخانه‌ها و فعالیتهای تجاری و بازرگانی را به حرکت درمی‌آوردند.

30. Stefani, (G), et all. Op.cit.,p. 271-272.

31 . Ibid.

32 . Théorie de Risque.

کارگران زیادی را برای تحصیل سود و منفعت به کار گرفته‌اند و محیط خطری به وجود آورده‌اند، که در صورت عدم رعایت نظامات، منافع کارکنان آنان دچار مخاطره می‌شود به همین خاطر است که رویه قضایی به مرور زمان مسئولیت ناشی از فعل دیگری را ایجاد کرده است. رویه قضایی در قرن نوزدهم مسئولیت کیفری کارفرما را تأسیس کرده که هیچ ارتباطی به نظریه خطر ندارد. به هر حال بعضی از مؤلفان نظریه خطر را با اصول سزادهی سازگار ندانسته و وافی به مقصود تلقی نکرده‌اند و به نظریه خطا رو آورده‌اند.^{۳۴}

۲. نظریه خطا: طبق این نظر مدیر مؤسسه یا کارخانه مسئولیت خطای کارمندان یا کارگران زیردست خود را، به عهده دارد که برحسب الزامات قانونی باید بر کار آنان نظارت کند تا مقررات و نظامات مربوط به تولید یا ساخت یا اجرای مقررات حرفه‌ای را رعایت کنند. گویی در این نوع جرایم عنصر روانی جرم، مصداق پیدا می‌کند. همان‌گونه که معاون جرم، عنصر مادی جرم را از مباشر اصلی، وام می‌گیرد، در این نوع مسئولیت، کارفرما یا رئیس نیز عنصر مادی جرم خود را از فعل کارمند یا کارگر خود، اخذ می‌کند. زیرا کارگر یا کارمند به جای او (کارفرما یا گمارنده) عمل کرده، در عمل خطایی که اینان مرتکب شده‌اند، از او هم سرزده است.^{۳۵} نظریه خطا از جهات زیادی با نظریه مباشر معنوی شباهت دارد. همان‌گونه که مباشر معنوی، خود عملی را انجام نمی‌دهد و موجب می‌شود دیگری، مرتکب جرم شود. در این جا نیز مدیر یا کارفرما، بدون اینکه شخصاً فعل مادی را انجام دهد، به علت اهمال یا غفلت در انجام وظیفه، موجبات تحقق جرم را فراهم می‌کند.^{۳۶} براین اساس، مبنای مسئولیت شخص حقوقی خطا (تقصیری) است که از جانب

۳۳. اردبیلی، دکتر محمدعلی، پیشین، ص ۶۹.

34 . Notion de Faute.

35 . Merle (Roger), Vitu (André), Traité de Droit criminel, 2 ed, Cujas, 1987, Paris. p. 315.

36 . Corlett, (A), op.cit.p . 131, Merle et vitu, op.cit., p.639.

مدیر یا کارفرما صورت گرفته و به لحاظ عنصر معنوی جرم قابل تعقیب و مجازات است. از این رو، این نظریه با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مغایرتی پیدا نمی‌کند.

ج) شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر

برای این که مسئولیت ناشی از فعل غیر محقق شود، افعال مباشر جرم و افعال کسی که از فعل وی مسئولیت ایجاد می‌شود، باید شرایطی را داشته باشند.

نخستین شرط تحقق این مسئولیت آن است که فعل ارتكابی مرتكب اصلی، دارای وصف مجرمانه باشد به علاوه دارای اوصاف زیر هم باشد.

۱. تخلف از مقرراتی باشد که مسئول کیفری فعل غیر، شخصاً ملزم به رعایت آنها باشد.

۲. ارتكاب آن از ناحیه عامل عمدی نباشد.

مقرراتی که مدیران بنگاه‌ها، کارخانجات، مؤسسات حرفه‌ای و صنفی ملزم به اجرای آنها هستند و باید بر حسن اجرای آن نظارت کنند، اهداف گوناگون مانند سلامت و ایمنی محیط کار، حفظ سلامت و بهداشت عمومی، حفظ محیط زیست و غیره را دنبال می‌کند. عدم رعایت آنها سلامتی کارکنان و کارگران این مؤسسات یا بهداشت و سلامتی عمومی مردم یا محیط زیست را دچار مخاطره می‌سازد. چنانچه مدیر یا مسئول مؤسسه یا بنگاه یا کارخانه بر اجرای این مقررات دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و غیره نظارت نکند و بر اثر آن کارمند یا زیردست مرتكب جرمی شود، مدیر به علت خطای کیفری مسئول خواهد بود. به نظر می‌رسد که مسئول فعل غیر، باید فقط پاسخگوی اهمال خود در اجرای تکالیفی باشد که به موجب مقررات برای نظارت یا مراقبت بر اجرای آنها،

به او محول شده است. او به خاطر اعمال غیر عمدی دیگری، خلاف یا جنحه غیر عمدی، در صورت عدم اثبات انجام تکالیف قانونی محکوم خواهد شد.^{۳۷}

رویه قضایی فرانسه قبل از تصویب قانون جزای ۱۹۹۲ بر این نوع مسئولیت، پافشارده و آراء مختلفی از شعبه کیفری و هیأت عمومی دیوان عالی این کشور صادر شده است.^{۳۸}

گفتار سوم: شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و آثار

این مسئولیت

با گسترش فعالیت و تکثر اشخاص حقوقی در سطوح ملی و بین‌المللی و در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی، تجاری و غیره و تهدیداتی که از ناحیه این اشخاص، برای سلامتی عموم مردم، محیط زیست، امنیت روحی و روانی مردم، فراهم می‌شود، حجم خساراتی که از ناحیه اشخاص حقوقی، منافع اشخاص را مورد تعرض قرار می‌دهد، که جبران آن‌ها جز از طریق سرمایه‌های کلان اشخاص حقوقی میسر نیست. بالاخره استعداد بالقوه اشخاص حقوقی برای ارتکاب جرم مالی، مالیاتی، اقتصادی و غیره موجب شد که در اواخر قرن نوزدهم و از اوایل قرن بیستم، اشخاص حقوقی به عنوان واقعیت‌های اجتماعی و موجودات حقوقی، واقعی تلقی و از نظر کیفری مسئول شناخته شوند. متفکران و علماء علوم جنایی، مانند مرکل^{۳۹} و گیرک^{۴۰} و سایر علماء جرم‌شناسی آلمان و آن پتیت پیر در سوئیس و دیگران^{۴۱} بر مسئولیت شخص حقوقی و اهلیت وی، برای تحمیل آثار بر او پافشاری کردند

37. Merle et Vitu, op.cit pp. 340-341.

۳۸. رجوع کنید به: فرج‌اللهی، رضا، پیشین، صص ۵۱-۵۰.

39 . Merkel.

40 . Gierke.

41 . Anne petite pierre.

و به قول مرکل مجرم واقعی شخص حقوقی است نه کسی که به نام آن شخص اقدام کرده است. رویه قضایی کشورهای مختلف نیز در این عرصه پیشتاز بوده و قبل از تصویب قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، آرای بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی صادر کرده است. رأی ۲۳ فوریه ۱۹۰۹ دادگاه عالی آمریکا در قضیه اکلینز^{۴۲} و آراء متعددی که شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه و هیأت عمومی دیوان عالی این کشور در این مورد صادر کرده‌اند.^{۴۳} قابل ذکر است. علاوه بر آن عزم جهانی و بین‌المللی برای شناخت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز به موازات آموزه‌های علمی و رویه‌های قضایی، در کنگره دوم بین‌المللی حقوق کیفری ۱۹۲۳ تجارت و کنگره ششم رم در ۱۹۵۳، تجلی یافت، به خصوص کنگره رم خواستار مجازات اشخاص حقوقی برای ارتکاب جرایم اقتصادی و یا حتی راه‌حلی برای انطباق مجازات با ماهیت اشخاص حقوقی شد. کنگره هامبورگ در ۱۹۷۹ راجع به حمایت کیفری از محیط طبیعی، کنگره بین‌المللی ریودوژانیرو در ۱۹۹۴ که منجر به تشکیل انجمن بین‌المللی حقوق کیفری در کنگره برزیل در ۱۹۹۴ شد، بر ضرورت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تحمیل مجازات مناسب با ماهیت آن‌ها، تأکید گردید. نتیجه این تحولات موجب شناخت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آمریکایی شمالی و اروپای غربی شده در این گفتار در حدود اقتضاء به شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ترجیحاً در حقوق فرانسه پرداخته می‌شود، سپس مجازات‌های شخص حقوقی که آثار مترتب بر این مسئولیت است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

لازم به یادآوری است، اشخاص حقوقی به اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تقسیم می‌شوند.

42 . Eklins.

۴۳. محمد قائد مقل، احمد، پیشین، ص ۶۵-۶۴ (به گفتار دوم رجوع کنید).

اشخاص حقوقی حقوق عمومی، به خصوص دولت و سازمان‌های دولتی که عهده‌دار اعمال حاکمیت هستند، از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج‌اند. زیرا دولت خود مقام صلاحیت‌دار اعمال مجازات‌ها است که متخلفان از قوانین و اخلاص‌کنندگان در نظم عمومی را به مجازات می‌رساند.^{۴۴}

الف) شرایط عام تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

با نگاهی به قوانین کشورهایایی که اشخاص حقوقی را، از نظر کیفری، مسئول شناخته‌اند، به این نتیجه می‌توان رسید که شرط اول تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، آن است که عامل یا نماینده شخص حقوقی به نام و به حساب وی فعلی را انجام دهد که آثار مجرمانه‌ای را به بار بیاورد. اولین سئوالی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که مسئولیت کیفری شخص حقوقی با این وصف چه نوع مسئولیتی است. آیا مسئولیت ناشی از فعل غیر است که در گفتار گذشته شرح آن گذشت، یا مسئولیتی نیابتی است یا با هیچ یک از این دو نوع مسئولیت انطباق نداشته بلکه مسئولیتی غیرمستقیم و ناشی از خطای شخص حقوقی است؟

بررسی‌های قبلی نشان داد که شخص حقوقی از آن جا مسئولیت کیفری آثار عمل نماینده یا عامل خود را بر دوش می‌کشد. که در اعمال نظارت و مراقبت بر اجرای مقررات کوتاهی کرده باشد و منشأ مسئولیت وی خطای او است و در حکم فاعل معنوی تلقی می‌شود و مسئولیت او را به خطا و تخلف از مقررات برمی‌انگیزد. بررسی شرایط مسئولیت کیفری در حقوق کشورهای فرانسه، انگلیس، آمریکا، هلند و مصر و لبنان و سوریه ترجیحاً فرانسه، روشن خواهد کرد که مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی چیست؟

۴۴. در مورد مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت، رجوع کنید به: نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۵ سال ۷۳.

برای تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات مصوب ۱۹۹۲ فرانسه که در ۱۹۹۴ لازم الاجرا شده، ذکر می‌شود. این ماده در دهم ژوئیه ۲۰۰۰ و نهم مارس ۲۰۰۴ اصلاح و با تغییرات جزئی در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ لازم‌الاجراء شده است. ماده ۲-۱۲۱ مقرر می‌دارد، اشخاص حقوقی، به استثنای دولت، به تفصیلی که در مواد ۴-۱۲۱ تا ۷-۱۲۱ این قانون و قوانین و مقررات پیش‌بینی شده، مسئول جرایمی هستند که ارگان یا نمایندگان آنها به حساب آنها، مرتکب می‌شوند. این ماده اضافه می‌کند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی که مباشر یا معاون آن اعمال بوده‌اند، (با لحاظ مقررات بند ۴ ماده ۳۰-۱۲۱) نخواهد بود.^{۴۵}

در حقوق آمریکا نیز شرط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی آن است که عضو برجسته تشکل حقوقی، مانند عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل به نام شخص حقوقی، آگاهانه و یا بر اثر غفلت و سهل‌انگاری مرتکب عمل مجرمانه شده باشد. به عبارت دیگر عامل در شخص حقوقی از چنان جایگاهی برخوردار باشد که بتوان عمل مجرمانه و یا ترک فعل او را به پای شخصیت حقوقی به حساب آورد. قدرت عمل آگاهانه عامل در ساختار شخصیت حقوقی، شرط لازم تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی است.^{۴۶}

بنابراین شرایط عام مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی را می‌توان در سه محور مشخص و بررسی کرد.

۱. انجام عمل مجرمانه توسط ارگان یا نماینده شخص حقوقی
از نظر تحلیل علمی، عمل ارتكابی شخص حقیقی که عضو مؤثر تشکل حقوقی است و از چنان جایگاهی برخوردار است که اختیار انجام اعمالی به نام شخص حقوقی را دارا

45 . Le Code Penal, 2005.

46 . Corlett, (A). op.cit., pp 134-135.

است، باید واجد شرایط و ارکان جرم اعم از عنصر مادی و معنوی (ادراکی) باشد.^{۴۷} اگر عمل ارتكابی به جهات مختلف از جمله فقدان یکی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم، قابلیت انتساب به عضو یا نماینده را نداشته باشد. یا بزه‌کاری و تقصیر متهم احراز نشود، شخص حقوقی را نمی‌توان مورد تعقیب قرار داد. لزوماً شرط لازم تحقق مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی، محکومیت عامل انسانی جرم نیست. بنابراین اگر در مرحله دادرسی عامل جرم فوت کند، ولی تقصیر وی (خواه عمد یا غیر عمد) محرز باشد، در این صورت شخص حقوقی قابل تعقیب و محاکمه است.^{۴۸} آراء متعددی از مراجع عالی قضایی صادر شده که بر عدم لزوم ارتباط بین محکومیت عامل انسانی و مسئولیت کیفری شخص حقوقی، تأکید کرده است.

بنابراین شرط لزوم انجام عمل توسط عضو یا نماینده آن است که عامل انسانی مذکور عمداً یا بر اثر سهل‌انگاری فعل یا ترک فعلی مرتکب شده باشد که مشمول نهی مقنن بوده یعنی جرم باشد و نهایتاً قابلیت انتساب به وی را داشته باشد.

این سؤال مطرح می‌شود که چرا مسئولیت کیفری شخص حقوقی به‌طور کامل از مسئولیت کیفری شخص حقیقی، عامل انسانی، تبعیت نمی‌کند؟ پاسخ آن است که رابطه بین جرایم این دو، همانند جرم معاون و مباشر نیست، که معاون مجرمیت خود را از جرم مباشر به عاریت گرفته و تابعی از آن باشد. بلکه مسئولیت شخص حقوقی، مسئولیت تمام عیار و یا انتساب کامل مسئولیت است و هنگامی تعقیب کیفری شخصی حقوقی استقرار پیدا کرده، شخص حقیقی وانهاده می‌شود. (هرچند به‌طور مستقل به عنوان مباشر یا معاون تعقیب و در صورت لزوم مجازت می‌شود).

47 . Desportes, (F), et all. Op.cit. p 890.

48 . Bornicand (Jacque, Simon Ann Marie) Droit pénal, procédure pénale, 4 éd, Sirey, 2004, p 119.

اولاً، باید دید کلمه ارگان در چه مفهومی به کار رفته است؟ ارگان را اساسنامه شخصیت حقوقی مشخص می‌کند که از یک یا چند شخص حقیقی تشکیل شده است. قانون وظایف خاصی در تأسیس شخص حقوقی برای آنان قایل شده است. بنابراین هیأت-مدیره، مدیر یا رئیس بنگاه یا مؤسسه و غیره به عنوان ارگان شخصیت حقوقی محسوب می‌شوند.

در شخصیت‌های حقوقی حقوق خصوصی، به خصوص در شرکت‌های تجاری، مدیران، هیأت‌مدیره، رئیس هیأت‌مدیره، مدیر کل، شورای نظر (یا بازرسان)؛ مجمع عمومی، در سندیکا، رئیس هیأت‌مدیره یا مجمع عمومی، ارگان شخصیت حقوقی اند. در مؤسسات عمومی و زیرمجموعه آن‌ها مانند شهرداری‌ها، شهردار، شورای منطقه‌ای، شورای ناحیه و غیره ارگان شخص حقوقی عمومی به شمار می‌روند.

لازم به یادآوری است که ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه بین ارگان‌های مدیریتی و نظارتی تفاوتی قایل نشده است. ولی در عمل مسئولیت کیفری شخصیت حقوقی زمانی محقق می‌شود که ارگان مدیریتی، فعل مجرمانه را مرتکب شده باشد.

همیشه لازم نیست که هویت ارگان یا نماینده شخصیت حقوقی مشخص شود و کاملاً مورد شناسایی قرار گیرد. البته در جرایم عمدی شناسایی هویت عامل انسانی ضروری است. در جرایم غیرعمدی همین اندازه که معلوم شود، عمل مجرمانه را ارگان یا نماینده شخصیت حقوقی، انجام داده است، برای انتساب آن به شخص حقوقی کفایت می‌کند. توصیه‌نامه شماره ۱۸-۸۸ R شورای اروپا در ۲۰ اکتبر ۱۹۸۸، نیز مقرر داشته است:

استقرار مسئولیت کیفری مؤسسه با عدم شناسایی هویت شخص حقیقی که مرتکب فعل یا ترک فعل مجرمانه شده، امکان‌پذیر است، البته در بعضی از جرایم عمدی مانند اعمال تبعیض نژادی، رفتارهایی که فقط نیاز به سوءنیت عام دارد، یا در مواردی که استراتژی شرکت تجاری بر انجام اعمال خلاف قانون پی‌ریزی شده، یا در موارد جعل

اسناد، مانند جعل اسناد برای شرکت در جریان دادرسی، لازم نیست که هویت شخص حقیقی شناسایی شود. قانون دهم ژوئیه ۲۰۰۰ پا را فراتر از این گذاشته، در مورد جنبه‌های غیر عمدی که شخص حقیقی بر اثر عدم احتیاط عادی، مرتکب شده (نه بی احتیاطی واقعی) که برای شخص حقیقی مسئولیت کیفری، ایجاد نمی‌کند، شخص حقوقی را مسئول شناخته است.^{۴۹}

رای شماره ۶۰۴/۳ اول دسامبر ۱۹۹۸ شعبه کیفری دیوان عالی کشور که دو سال قبل از این قانون صادر شده، محکومیت شرکتی را که به لحاظ عدم رعایت مقررات ایمنی کار محکوم شده، ابرام کرده است. در موردی هم که هویت شخص حقیقی (ارگان یا نماینده) مشخص نبوده ولی عدم رعایت مقررات قانونی و اداری از ناحیه شخصیت حقوقی، محرز بوده، رای فرجام خواسته را ابرام کرده است، رای فرجامی ۱۹۹۸ شعبه دیوان عالی کشور، رای ۳۴ اکتبر ۲۰۰۰ و ۸ دسامبر ۲۰۰۴ بر محکومیت شخصیت حقوقی به لحاظ این که ارگان یا نماینده آن بر اثر خطای عادی او، موجب ایراد صدمه به تمامیت جسمانی دیگری شده و ایراد جرح عمدی محقق شده، بدون این که ارگان یا نماینده از نظر کیفری مسئول شناخته شود، صحه گذاشته است.

برخلاف ارگان شخصیت حقوقی که به ناچار از اعضاء شخصیت حقوقی یا تشکل یا سازمان هستند. نماینده ممکن است فردی خارج از تشکل مذکور باشد و ممکن است به مدیر مؤسسه، مانند مؤسسات انتشاراتی یا سمعی بصری، این نمایندگی اعطاء شود.^{۵۰}

49. Desportes,(F), et all. Op.cit.,pp. 695-596., Mayaud (Yves) Droit pénal général, puf. 2004, pp 301-304.

50. Borricand,(J), Simon,(A.M), op.cit., p 161.

ناگفته نباید گذاشت که قانون جزای لبنان در ماده ۲۱۰ و ماده ۲۰۹ قانون جزای سوریه و ماده ۷۴ قانون جزای عمومی اردن و بالاخره قانون‌گذار مصری در قانون شماره ۲۸۱ سال ۱۹۹۴ در مورد مبارزه با احتکار و تدلیس در معاملات که به ماده ۶ مکرر قانون ۱۹۴۱ الحاق گردید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته‌اند. متن ماده ۲۱۰ قانون مجازات لبنان، به خصوص از نظر دلالت لفظی و معنی شبیه ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه است در همه این قوانین شخصیت حقوقی در قبال اعمال مجرمانه که مدیران، هیأت مدیره، نمایندگان تام، در جهت منافع شخص حقوقی انجام داده‌اند، مسئول شناخته شده است.^{۵۱} از همین قبیل است آراء صادره از دادگاه‌های انگلیس در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حکم به محکومیت آن‌ها به خاطر ارتکاب جرم توسط نماینده شخص حقوقی یا مدیر آن که سه نمونه آن را می‌توان نام برد. در پرونده شرکت D.P.V.Kent and Susses Contractoire در مورد Motor Fuel Rationing به خاطر تغییر و جعل در تعداد مسافرت‌های انجام‌شده و رقم کیلومتر یکی از وسایط نقلیه و عدم رعایت مقررات مربوط کشیدن چادر و پوشش لازم بر روی وسیله نقلیه، قاضی Viscont Caldicote به خاطر این که مدیر شرکت دارای قصد و نیت مجرمانه بوده و این قصد برای شخص حقوقی نیز به استناد قصد وی، متصور است و این که مدیر یا کسی که بر امور شرکت اشراف دارد، فقط نقش یک وکیل را بازی نمی‌کند و شرکت به خودی خود قادر به انجام عمل یا فعالیت نیست و مدیران هستند که فکر و اندیشه و عمل او را به منصفه ظهور می‌رسانند.

۵۱. علی عبدالقادر القهوجی، قانون العقوبات، القسم العام، الجزء الاول، نظریه العامه للجريمه، مطبعه ابناء وهب احسان، ۱۹۹۴، پیشین، صص ۶۱۴-۶۱۰.

رأی دادگاه در مورد شرکت Rex.V.L.C.R.Hauldge که منجر به محکومیت شرکت به پرداخت جریمه شد و در دادگاه تجدیدنظر هم مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه این آراء اسناد نتیجه فعل نماینده شرکت، بر شخص حقوقی و قایل شدن مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی است.

بالاخره قوانین مدون انگلیسی از جمله قانون Frade Des Rietion act مصوب ۱۹۶۸ و ماده ۱۸ قانون سرقت Theft act با وجود پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری شخص حقیقی عامل انسانی جرم را نفی نکرده‌اند.

قانون فدرال آمریکا از سال ۱۹۶۲ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را، خواه اشخاصی که از شخصیت حقوقی کامل برخوردارند، مانند اتحادیه‌ها و چه انجمن‌هایی که کلیه شرایط شخصیت حقوقی را، دارا نمی‌باشند. به رسمیت شناخته است. ماده ۲۰۷ این قانون در شش بند حکم قضیه را بیان کرده است. در این قانون بین اشخاص حقوقی که از شخصیت حقوقی کامل برخوردارند که بر آنها Corporation اطلاق شده و شخصیت‌هایی که چنین اوصافی را ندارند، تمایز قایل شده است.

شرایط تحقق مسئولیت کیفری این اشخاص متضمن آن است که عمل مجرمانه را نمایندگان حقوقی مرتکب شده باشند. عمل نماینده مخالف قوانین مربوط به حدود اختیارات نماینده باشد. اگر جرم ترک فعل باشد، ترک فعل ناشی از فعل، باشد که انجام آن به عهده شخص حقوقی محول شده باشد، در این صورت هم، موجب مسئولیت شخص حقوقی خواهد شد و بالاخره ارتکاب فعل در هر صورت باید به حساب شخص حقوقی و در حدود اهداف و اغراض آن صورت گرفته باشد.^{۵۲}

۵۲. احمد محمد قائد مقل، پیشین، ص ۱۵۲-۱۴۵.

ملاحظه می‌شود که در رویه قضایی و قوانین انگلستان و آمریکا نیز شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مشابه قانون مجازات فرانسه است از این رو ترجیحاً مبنای بررسی موضوع را قانون مجازات فرانسه قرار داده‌ایم.

۲. شخص حقیقی عمل مجرمانه را به نام و یا به حساب و در جهت منافع شخصیت حقوقی مرتکب شده باشد. بنابراین شخص حقیقی اعم از مدیر، نماینده رسمی یا هر عامل دیگری چنانچه برای تحصیل منفعت یا در جهت تحقق اهداف شرکت یا انجمن یا مؤسسه یا کارخانه اقدام کرده باشد. از این رهگذر جرمی محقق شود و نتیجه زیان‌باری برای غیر به بار بیاورد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز مستقر خواهد شد.^{۵۳}

عبارت «به حساب» شخص حقوقی که در ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه و ماده ۲۱۰ قانون مجازات لبنان گنجانده شده از وضوح و روشنی لازم برخوردار نیست. ظاهر عبارت، مفید این معنی است که عامل، نماینده یا ارگان، باید برای جلب منفعت شخصیت حقوقی و در جهت تحقق اهداف آن فعل را انجام داده یا آن را ترک کرده باشد. بنابراین اگر مدیر مؤسسه یا نماینده شرکتی در حین انجام وظیفه و مأموریت خود، برای کسب منفعت شخصی اقدام کند و مرتکب جرمی شود، موجب مسئولیت کیفری مؤسسه یا شرکت نخواهد بود.

اگر اقدام شخص حقیقی در جهت منافع اقلیتی از اعضاء شخصیت حقوقی باشد آیا باز هم موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی خواهد شد؟ با توجه به این که عبارت «به حساب» شخص حقوقی دلالت بر نفع و مصلحت همه اعضاء می‌نماید، چنین اقدامی نهایتاً موجب مسئولیت کیفری، شخص حقوقی نخواهد شد.

53. Desportes, (F), et all. Op.cit.,p. 596, Pradel, (J), op.cit., p 510.

54 . Pour Le Compte.

۳. شرط سوم: جرم بودن فعل ارتكابی عامل یا نماینده یا ارگان شخصیت حقوقی است. زیرا، لازمه تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی، آن است که شخص حقیقی که اوصاف (ارگان یا نماینده) را دارد، به صورت عمدی یا بر اثر مسامحه و غفلت مرتکب عملی شود که وصف مجرمانه داشته باشد. هرچند به عللی موجب تقصیر و احراز بزه کاری و محکومیت وی نشود.^{۵۵}

ب) شیوه‌های انتساب جرم به اشخاص حقوقی

از مواد ۲-۱۲۱ و ۴-۱۲۱ و ۷-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه چنین استنباط می‌شود که شخص حقوقی ممکن است به عنوان شروع به جرم یا ارتکاب جرم تام یا مباشر یا معاون جرم مورد تعقیب قرار بگیرد. معاونت در جرم ممکن است به هر سه صورت، مساعدت، تحریک و تهیه ابراز و لوازم جرم یا تسهیل جرم، صورت بگیرد. با شخص حقوقی بسان شخص حقیقی که فعل مادی جرم را انجام داده است، رفتار می‌شود. بخشنامه چهاردهم مه ۱۹۹۳ وزیر دادگستری فرانسه شیوه انتساب و تعیین میزان مسئولیت شخص حقوقی را معین کرده است. در این بخشنامه تصریح شده است، مسئولیت کیفری شخص حقوقی به عنوان مباشر اصلی جرم، زمانی محقق می‌شود که ارگان‌ها یا نمایندگان آن شخص حقوقی ارکان مادی و اخلاقی (ادراکی) جرم را به عنوان مرتکب اصلی انجام داده باشند. مسئولیت کیفری شخص حقوقی به عنوان معاونت جرم، وقتی صورت واقعی به خود می‌گیرد، که ارگان‌ها یا نمایندگان شخص حقوقی به عنوان معاون جرم اقدام کرده باشند. علی‌الاصول مسئولیت کیفری شخص حقوقی به عنوان مباشر یا معاونت جرم، مستلزم آن است که یک

55. Stefani,(G), et all, op.cit,p . 250, Pradel,(J), op.cit , p 512.

یا چند نفر شخص حقیقی به عنوان ارگان یا نماینده آن شخص حقوقی، تحت عنوان مباشر یا معاون جرم، مسئول شناخته شوند.

بنابراین مدیر شرکت تولید که با ادعای فروش تولیدات فوق‌العاده تولیدی شرکت، مرتکب کلاهبرداری شده، شرکت تحت مدیریت وی نیز به عنوان کلاهبردار تعقیب خواهد شد. اگر یکی از ارگان‌های شخص حقوقی یا نماینده آن شخص وسایل ارتکاب جرمی را برای تأمین منافع شخصیت حقوقی فراهم یا ارتکاب جرمی را تسهیل کند، موجب مسئولیت شخص حقوقی، به عنوان معاون جرم خواهد شد.

به هر حال هیچ استبعادی ندارد که چندین شخص حقوقی به صورت مشارکت، مرتکب جرمی شوند. یا یک شخصیت حقوقی به عنوان معاونت در جرم شخص حقوقی دیگر یا یک شخص حقیقی معاونت شخص حقوقی دیگر یا برعکس باشد.^{۵۶} در همه این حالات رابطه بین معاونت و مباشرت شخص حقیقی و حقوقی به صورت کمانه‌ای^{۵۷} هم‌چنان به قوت خود باقی است. قانون تعدد تعقیب علیه شخص حقیقی و حقوقی را پذیرفته و به همین خاطر در قسمت آخر ماده ۲-۱۲۱ تصریح کرده است، که مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، که عامل مادی جرم ارتکابی‌اند، نخواهد بود.^{۵۸}

یادآوری این نکته ضروری است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قوانین متفرقه دیگر در حقوق فرانسه گنجانده شده است.^{۵۹}

56 . Desportes,(F), et all, op.cit , p 600.

57 . Stefani,(G), et all, op.cit , p 250.

58 . Mayaud,(Y), op.cit., p 305.

۵۹. رجوع کنید به: فرج‌اللهی، رضا، پیشین، ص ۴۵ به بعد.

گفتار چهارم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی

دولت^{۶۰} به عنوان یک شخص حقوقی، عبارت است از ساختار قدرتی که در سرزمینی مشخص (قلمرو) بر مردمانی معین (ملت) تسلط پایدار دارد. از نظر داخلی نگهبان نظم و از نظر خارجی، پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش می‌باشد. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی، فعلیت می‌یابد.^{۶۱} بعضی از مؤلفان علاوه بر سه رکن حاکمیت، ملت، سرزمین، شرط دیگری هم برای دولت قایل شده‌اند که اجرای بالاستقلال اختیارات خود طبق ضوابط حقوق بین‌الملل است.^{۶۲} شاخص‌ترین مظهر شخصیت حقوقی حقوق عمومی، دولت و سازمان‌های دولتی و نهادهای اداری ملی و منطقه‌ای است. دولت دو کارکرد دارد یکی اعمال حاکمیت یا به تعبیر «خدمات عمومی» مانند وظایفی که قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه از جهت وضع قانون و اجراء آن و حل و فصل اختلافات و دعاوی مردم و رسیدگی به جرائم، انجام می‌دهند، باید حفظ نظم داخلی و روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر و دفاع از سرزمین و غیره را هم به این کارکرد دولت اضافه کرد.^{۶۳}

دوم، دولت و سازمان‌ها و نهادهای تابعه آن کارکرد دیگری دارند که به وظایف حکومتی آن‌ها مانند حفظ نظم وضع و اجرای قانون و حل و فصل دعاوی مربوط نمی‌شود، بلکه اعمالی است که نوعی تصدی‌گری محسوب می‌شود. به همین لحاظ اعمال تصدی

60. Etat.

61. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۶، ص ۱۶۱.

62. Corun (G), op.cit. p 321.

63. قاضی، دکتر ابوالفضل، حقوق اساسی، جلد اول، چاپ دانشگاه تهران و نیز رجوع کنید به: مؤتمنی طباطبایی، دکتر منوچهر، حقوق اداری، سمت، ۱۳۷۳ و هاشمی دکتر سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

خواننده می‌شوند و همانند اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در پی کسب منفعت است، مانند فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی و خدماتی که به موجب قرارداد اعطا اختیار یا تفویض نمایندگی، اقدام می‌کند.

ماده ۱۲۱-۲ قانون مجازات فرانسه دولت را از حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنی کرده است. فراز دوم ماده مرقوم مؤسسات و سازمان‌های دولتی و تشکیلات داخلی تابع آن‌ها، در مورد جرایمی که در اجرای فعالیت‌های موضوع قرارداد تفویض نمایندگی انجام خدمات عمومی، انجام می‌دهند از لحاظ کیفری، مسئول می‌شناسد که بعداً به تفسیر و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

الف) فلسفه مستثنی شدن دولت چیست؟

دولت، عالی‌ترین قدرت عمومی متشکل، در گستره حقوق جزا است که مسئول حفظ نظم عمومی و اعمال مجازات مجرمان و حمایت از حقوق شهروندان در مقابل تجاوز متجاوزان به حقوق عمومی و افراد است. دولت از طریق اعمال حاکمیت و وظیفه تعقیب مجرمان و مجازات آن‌ها را دارد و اعمال دادرسی و حق به کیفر رساندن از خصایص منحصر به فرد دولت است.

بنابراین نه معقول است و نه پذیرفتنی، که دولت خود را تعقیب و مجازات کند. دادرسی دادگاه که عضوی از اعضاء حاکمیت دولت است، دولت را مورد مواخذه قرار دهد. به‌علاوه یکی از مجازات‌های اشخاص حقوقی، انحلال است، که اعمال آن با فلسفه استمرار حاکمیت دولت مغایر است. مجازات‌های دیگری از قبیل تعطیل موقت مؤسسه یا

۶۴. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی وظایف قوه قضائیه را... رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم لازم در آن قسمت از امور حسیه، که قانون معین می‌کند، بر شمرده است.

ممنوعیت از انجام مستقیم یا غیرمستقیم یک یا چند فعالیت حرفه‌ای یا مراقبت قضایی شخص حقوقی، با طبع و وظیفه خطیر دولت و مؤسسات عمومی، نه تنها سازگاری ندارد، بلکه با اعمال حاکمیت دولت در تضاد است. تصور کنید انحلال یک سازمان یا نهاد اداری چه تأثیری بر حقوق کسانی که از خدمات آن سازمان یا نهاد استفاده می‌کنند خواهد گشت.^{۶۵} زیرا، خدماتی که به عهده مؤسسات عمومی و سازمان‌های دولتی محول شده، معلول یک ضرورت اجتماعی و برای پاسخگویی به یک نیاز عمومی است، مانند تعلیم و تربیت، تأمین بهداشت عمومی، حفظ نظم، استقرار عدالت، تأمین رفاه عمومی و غیره، لازمه استفاده مردم از این خدمات و انجام آن‌ها توسط قوای دولتی وجود دو عنصر ضرورت و استمرار است.

این دو اصل اساسی، تقلیل اختیاراتی را که برای انجام خدمات عمومی ضروری است، نفی می‌کند. تحمیل مجازاتی مانند جریمه بر دولت به مقدار قابل ملاحظه‌ای توان دولت را برای تأمین نیازهای عمومی، محدود می‌کند. همچنین است مصادره اموال یا ممنوعیت از انجام بعضی از معاملات،^{۶۶} که در خدمت‌رسانی دولت به مردم، ایجاد اختلال می‌کند و نافی اصل استمرار است.

دلیل دیگری که برای مستثنی شدن دولت از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ذکر شده، رعایت اصل عدالت و انصاف است، بر این اساس تحمیل مجازات بر دولت که قدرت خدمت‌رسانی دولت را دچار اختلال یا توقف می‌سازد موجب زیان بهره‌وران از آن خدمات می‌شود و در واقع آنان قربانی جرم شخص حقوقی واقع می‌شوند. عدالت

65 . Picard,(E), op.cit.,pp. 263-264, Desportes, F, et all. Op.cit., p 652.

66. Desportes,(F), et all, Le Nouveau Droit pénal, Tome 1. Droit pénal général, Economica, Paris, 1994.p 420.

اقتضاء می‌کند که از مجازات دولت صرف نظر شود. زیرا، محدودیت توان مالی دولت، موجب افزایش بار مالی مالیات‌دهندگان می‌شود. البته مجازات شخص حقوقی حقوق خصوصی نیز بر سهام‌داران تحمیل می‌شود ولی آثار آن به گستردگی تحمیل مجازات بر دولت نیست.^{۶۷}

ب) شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی

ماده ۱۲۱-۲ دولت و مؤسسات عمومی را که فعالیت آن‌ها، قابل تفویض^{۶۸} به اشخاص دیگر نیست، مستثنی کرده است. گفته شد دولت دو نوع کارکرد دارد اعمال حاکمیت و اعمال تصدی، آنچه در قلمرو اعمال حاکمیت دولت و قدرت عمومی قرار می‌گیرد، مانند قانون‌گذاری، اداره سیاسی کشور و مؤسسات عمومی و قضایی و اداری، دولت و کارگزاران آن از تعقیب و مسئولیت کیفری مصون هستند. مصونیت سیاسی، پارلمانی و قضایی کارگزاران سیاسی و نمایندگان مجلس و قضات از همین قاعده ناشی شده است. علاوه بر آن بعضی از مؤسسات دولتی به اموری اشتغال می‌ورزند که قابل تفویض به اشخاص حقوقی دیگر است و در حدود قوانین و مقررات، مؤسسات دولتی حق اعمال و اجراء آن را به شخص حقوقی دیگری به موجب قرارداد^{۶۹} واگذار می‌کند؛ این قرارداد را قرارداد تفویض خدمات عمومی^{۷۰} می‌نامند. مانند واگذاری انجام خدمات آب و برق و

67. Picard (E), op.cit., p 265.

68. Délégation.

69. Convention de Délégation.

70 . Délégation de service public.

71 . Guillian,(R), vincent,(G), op.cit.,p. 182, Cornu,G, op.cit,p 246.

تلفن به اشخاص حقوقی دیگر و نوعاً اشخاص حقوقی حقوق خصوصی. در این زمینه مؤسسات عمومی تفویض‌کننده خدمت عمومی با شرایطی که در ماده ۲-۱۲۱ مقرر شده و در گفتار سوم تشریح شد؛ دارای مسئولیت کیفری هستند. خدمات عمومی یکی از اصطلاحات کلیدی حقوق اداری است که از وضوح و رسایی زیادی برخوردار نیست، در معنی مضیق و از منطوق آن، می‌توان آن را هر نوع فعالیتی دانست که برای رفع نیازها و تأمین منافع عمومی، انجام می‌شود که تحت مدیریت و نظارت دستگاه اداری و به‌طور مستمر صورت می‌گیرد؛ در معنی دیگری خدمات عمومی، مجموعه‌ای متشکل از ابراز مادی و انسانی است که دولت با یک مؤسسه یا نهاد عمومی برای انجام وظایف خود آن‌ها را به کار می‌گیرد که خدمات عمومی در این مفهوم مرادف اداره کردن در معنی رسمی آن^{۷۲} است.

واژه تفویض (اختیار)، چند سالی است که وارد حقوق اداری شده و از آن طریق به قانون مجازات هم راه یافته است^{۷۳} و منظور از آن، واگذاری اختیار انجام خدمت عمومی به شخص دیگری است. این اصطلاح گستره وسیعی که شامل خرید و فروش، مقاطعه-کاری مؤسسات تولیدی خدمات عمومی، اداره منحصر یا مختلط (دولتی - خصوصی) و غیره می‌شود.^{۷۴}

مرز بین خدمات عمومی قابل تفویض و غیرقابل تفویض به خوبی روشن نیست، ضابطه کلی تقسیم‌بندی اعمال دولت به اعمال حاکمیت و اعمال تصدی و معیارهای عام حاکم بر این تقسیم‌بندی هم، قادر به رفع این ابهام نیست. با توجه به مبهم بودن آن دولت‌ها بعضی از

72 . Ibid.p 482.

73 . Desportes, (F), et all. Op.cit. p 420.

74 . Ibid.

وظایف عمومی و حکومتی خود را (مانند) اداره زندان‌ها به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند.^{۷۵}

به مرور ایام رویه قضایی دیوان‌عالی کشور و آراء دادگاه‌ها و بخشنامه‌های وزارت دادگستری مصادیق خدمات عمومی قابل واگذاری را تا حدودی مشخص کرده‌اند. خدماتی مانند توزیع آب، غذاخوری‌های دانشجویی، حمل و نقل عمومی، تخلیه و بهینه‌سازی آب‌های مصرفی، جمع‌آوری زباله‌های خانگی، ساخت بنادر و فرودگاه‌ها، بهره‌برداری از مراکز برگزاری کنگره‌ها و محل‌های برگزاری نمایشگاه‌ها را از مواردی که قابل واگذاری هستند، برشمرده است.

به هر حال شخص حقوقی واگذار شونده^{۷۶} چنانچه در حال انجام خدمت عمومی مرتکب جرمی شود طبق شرایطی^{۷۷} که قبلاً گفته شد، موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی واگذارکننده خواهد شد.

گفتار پنجم: آثار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

یکی از دلایلی که مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر نفی مسئولیت آن اقامه می‌کردند؛ این بود که کیفرهای پیش‌بینی‌شده در قانون مانند اعدام و حبس و تبعید، مخصوص اشخاص طبیعی است و درباره اشخاص حقوقی قابل اجرا نمی‌باشد. با گذر زمان و تحول در مجازات‌ها و ورود مجازات‌های جایگزین حسب و اقدام‌های (تدابیر) تأمینی به زرادخانه کیفری، که ناشی از دیدگاه‌های جرم‌شناسی اثبات‌گرا و جنبش دفاع اجتماعی

۷۵. به موجب قانون ۲۲ ژوئن ۱۹۸۷ انجام خدمات عمومی اداره زندان‌های فرانسه و سایر خدمات دولتی را می‌توان به بخش خصوصی واگذار کرد. این قانون برای تأیید به شورای دولتی ارسال نشد و عملاً اجرا نگردید. در ایالات متحده آمریکا اداره تعدادی از زندان‌ها به بخش خصوصی واگذار شده است.

76 . Délégataire.

77 . Desportes (F), Le et all, op.cit., p 561-562.

بود، این ایراد رفته‌رفته رنگ باخت و با پذیرش مسئولیت‌گیری اشخاص حقوقی، پاسخ‌های متناسب باطبع و ماهیت این اشخاص نیز در قبال جرایم ارتكابی آن پیش‌بینی شد. با نگاهی به سیاهه مجازات‌های پیش‌بینی‌شده، ملاحظه می‌شود، جز مجازات جریمه، بقیه مجازات‌ها، جایگزین‌ها یا اقدام‌های تأمینی هستند که در بسیاری از موارد به جای مجازات حبس یا برای پیشگیری از ارتكاب جرم، در مورد اشخاص طبیعی، مورد حکم قرار می‌گیرند. در این گفتار نیز موضوع ترجیحاً در نظام کیفری فرانسه مورد بحث واقع می‌شود.

الف) ضانت اجرای مالی

۱. جریمه نقدی^{۷۸}

یکی از مجازات‌هایی که تقریباً در همه نظام‌های کیفری بر اشخاص حقوقی تحمیل می‌شود مجازات جریمه نقدی است. جریمه نقدی از مجازات‌های اصلی است. که به عنوان یک مجازات مالی در جرایم جنایی علیه اشخاص حقوقی، تعیین می‌شود. ماده ۳۷-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه، مجازات‌های جنایی جنحه‌ای قابل اجرا در مورد اشخاص حقوقی را به ترتیب، جریمه و کیفرهای مذکور در ماده ۳۹-۱۳۱ ذکر کرده است.

جریمه عبارت است از: الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد به حساب دولت، به عنوان مجازات. ماهیت جریمه با وجهی که مجرم به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم به زیان‌دیده می‌پردازد، متفاوت است. جریمه مالیاتی که به علت عدم رعایت قوانین مالیاتی بر شخص تحمیل می‌شود با جریمه نقدی مشابهت بیشتری دارد ولی باز هم ماهیتاً با آن متفاوت است.^{۷۹}

78 . Amende/Fine.

79. Lsvasseur,(G), et Chavann, (Albert), Montruil, (Jean), Cour Élémentaire de Droit Pénal et Procédure pénale, 11 ed. Sirey, 1993, p 286.

مجازات جریمه نقدی در مورد اشخاص حقیقی گاهی به عنوان مجازات اصلی و زمانی، مجازات تکمیلی، مورد حکم واقع می‌شود. ولی در مورد اشخاص حقوقی، مجازات اصلی جنایی و جنبه‌ای است. زیرا، مجازات‌های تکمیلی و تبعی در مورد اشخاص حقوقی قابل اجراء نمی‌باشد.^{۸۰}

میزان جریمه‌ای که برای اشخاص حقوقی معین شده، حسب مورد پنج برابر جریمه مقرر در مورد اشخاص حقیقی است و اگر جرم مورد نظر فاقد مجازات جریمه برای اشخاص حقیقی باشد؛ جریمه مقرر در مورد شخص حقوقی یک میلیون یورو خواهد بود. چنانچه به موقع گفته خواهد شد دادگاه باید اصل شخصی کردن مجازات‌های را در مورد شخص حقوقی مراعات کند یعنی با لحاظ هزینه و درآمدهای شخصی حقوقی، اقدام به تعیین مجازات نماید- رعایت این اصل ایراد غیرعادلانه بودن جریمه را که ثروتمند و فقیر را به یک نحو شامل می‌شود، مرتفع کرده است.^{۸۱}

طبق ماده ۲۰-۱۳۲ قاضی دادگاه مجاز است در صورت اقتضاء میزان جریمه را از حداکثر قانونی آن تخفیف دهد. در قوانین مختلف آمریکا مانند قانون ۱۹۹۱ محیط زیست و قانون حمایت از محیط زیست دریایی و قانونی ۱۹۹۰ مربوط به The spillact آلوده کردن محیط زیست از طریق بخش مواد نفتی، میزان جریمه مقرر دارای حداکثر و حداقل می‌باشد. در قوانین متفرقه اقتصادی و اجتماعی مصر، سوریه، یمن نیز مجازات نقدی نسبی یا ثابت برای اشخاص حقوقی منظور شده است.^{۸۲}

80 . Baizard, (Martine), Amende, Confiscation, Afficage à la Communication de La Decision. Revue des Sociétés, Extrait du N, 2, 1993, p 331.

81. Stefani, (G), et etc. op.cit , pp 415- 416.

زیرا، مجازات‌های سالب آزادی و جریمه نقدی فاقد حداقل هستند ماده ۲۰-۱۳۲ دست دادگاه را برای شخص کردن مجازات باز گذاشته است.

۸۲. احمد محمد قائد مقل، پیشین، ص ۴۰۵ به بعد.

۲. مصادره اموال.

مصادره دو گونه است: مصادره عام، مصادره خاص

۲.۱. مصادره خاص^{۸۳}

نظام مصادره خاص به اشیایی تعلق می‌گیرد که موضوع جرم هستند مانند اسناد و اشیاء معجول، سلاح غیرمجاز یا اشیاء حاصل شده از جرم، مانند سکه تقلبی، یا اشیایی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته‌اند یا در حین ارتکاب جرم استعمال شده است. مانند سلاح به کار رفته در حین ارتکاب جرم و خودرو سرقت شده؛ ولی به اشیایی که فاقد جنبه مالکیت و تملک هستند، مانند مواد مخدر، تعلق نمی‌گیرد.

آلات و ابزار و وسایل و لوازمی که به نحوی در قاچاق مواد مخدر یا ساختن آن، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مصادره می‌شوند.

در مصادره خاص اگر مال موضوع مصادره موجود باشد، عیناً ضبط می‌شود. اگر کشف نشده یا دسترسی به آن مقدور نباشد، محکوم باید مبلغی معادل آن بپردازد مصادره اولی را عینی^{۸۴} و دومی را قیمی^{۸۵} گویند. مصادره قیمی معمولاً در مورد اشیاء قاچاق ضبط نشده، مصداق پیدا می‌کند که دادگاه بر حسب تقاضای اداره گمرک، حکم به أخذ وجهی معادل ارزش کالای ضبط شده می‌دهد.^{۸۶}

۲.۲. مصادره عام

83. Confiscation spéciale.

84. Canifiscation en nature.

85. Confiscation en valeur ou Par équivalent.

86. Pradel, (J), op.cit, p . 645.

در مواردی که در قانون جزای اختصاصی، پیش‌بینی شده کلیه اموال شخص حقوقی مشمول مصادره قرار می‌گیرد، مانند جرایم علیه بشریت، قاچاق مواد مخدر (مواد ۳-۲۱۳ و ۲۹-۲۲۲ قانون مجازات فرانسه) توقیف پروانه فروش نوشابه یا رستوران، قاچاق مواد مخدر که محل کسب به مکان خرید و فروش مواد مخدر تبدیل شود یا پاندازی (مواد ۵۰-۲۲۲ و ۲۲-۲۲۵)^{۸۷}

۳. اعلان تصمیم (رأی) یا انتشار آن

با اینکه مجازات‌های تزدیلی یا شرمسارکننده^{۸۸} در قانون فرانسه و دیگر کشورهای غربی نسخ شده است. این مجازات در بند ۲ ماده ۳۹-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شده است. این کیفر به آبرو و اعتبار محکوم در بین شهروندان یا محل کار لطمه وارد می‌کند و به دو شکل صورت می‌گیرد؛ به صورت اعلان در بعضی از مکان‌ها است (به ویژه محل اقامت محکوم علیه) یا انتشار رأی در روزنامه یا دیگر رسانه‌های نوشتاری یا از طریق وسایل دیگر ارتباط جمعی؛ مانند وسایل سمعی و بصری. برای اینکه این ضمانت اجرا مطابق اصل قانونی بودن مجازات‌ها تعیین شود. قانون باید نحوه اعلان، یا انتشار تصمیم اتخاذی را معین سازد (قاعده‌ای که به خوبی در ماده ۳-۲۶۱ قانون مصرف‌کنندگان رعایت شده است). به همین جهت ماده ۳۵-۱۳۱ مقرر داشته که هزینه درج یا اعلام نباید بیش از مبلغ جریمه قانونی مقرر باشد.

هزینه درج یا اعلان رأی به عهده محکوم‌علیه است.^{۸۹} شخص حقوقی هم از نظر مالی متحمل هزینه می‌شود و وجهی را برای تأمین هزینه اعلان یا انتشار حکم می‌پردازد و هم

87. Desportes, (F), et all. Op.cit., p. 819, Stefani, (G), op.cit , p 474.

88. Humillian.

89. Baizard. Op.cit, p . 339, Stefani, (G), et all. Op.cit., p 481.

اعتبار و حیثیت اقتصادی اجتماعی شخص حقوقی و توان مالی و تجاری آن به شدت لطمه می‌بیند.^{۹۰} در حقوق آمریکا نیز انتشار حکم پیش‌بینی شده است.^{۹۱}

۱. انحلال

این کیفر که در بند ۱ ماده ۳۹-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه پیش‌بینی شده است. از نظر شدت و آثاری که بر اعضاء و سهام‌داران شخصیت حقوقی به‌جا می‌گذارد، دارای شرایط ویژه‌ای است و اعمال آن به موارد خاصی محدود شده است. لازم به یادآوری است که انحلال شخصیت حقوقی ممکن است به حکم دادگاه حقوقی به عللی مانند نامشروع بودن موضوع شخصیت حقوقی، صورت بپذیرد.

هرگاه شرکتی برای انجام امور نامشروع و خلاف قانون تشکیل شود؛ مانند قوادی و قاچاق مواد مخدر و یا ابتدا با اهداف مشروع قانونی تشکیل شود و در جریان عمل تغییر موضوع و هدف داده و به امور خلاف قانونی پردازد و یا هدف مؤسسان شرکت اشتغال به امور نامشروع باشد، منحل می‌شود. بعضی از مؤلفان در مورد تغییر موضوع شرکت تردید کرده‌اند و با توسل به اصل تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، توسل به مجازات انحلال را جایز ندانسته‌اند.^{۹۲}

ماده ۳۹-۱۳۱ صدور حکم انحلال در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی، احزاب و تشکل‌های سیاسی و اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای و مؤسسات نمایندگی پرسنلی غیرقابل اعمال، اعلام کرده است.

90. Levasseur (G), all op.cit., p 282.

۹۱. احمد محمد قائد مقل، پیشین، ص ۴۲۷.

Corlett (G), op.cit., p. 1383.

92. Ibid. p 234.

93. Baizard (M), op.cit , p 332 .

موارد انحلال اشخاص حقوق در موادی چند از قانون مجازات فرانسه و قوانین متفرقه ذکر شده است. از جمله جرایم علیه بشریت (ماده ۳-۲۱۳) قاچاق مواد مخدر (ماده ۹-۲۲۳) خیانت در امانت یا سوءاستفاده از مال مرهونه یا تصاحب (اختلاس) مال توقیف شده (ماده ۱۲-۳۱۴) و... جرایم علیه بشریت (ماده ۳-۲۱۳) قاچاق مواد مخدر (ماده ۱۲-۳۱۴) و... جرایم علیه منافع اساسی ملت در زمان جنگ (ماده ۱۳-۴۷۶ قانون دادرسی ارتش) تجارت یا کار مخفیانه (ماده ۱-۳-۲-۱۵ L و ۶-۳۶۲ L قانون کار) و جرایم مربوط به مالکیت فکری و ورشکستگی و کمک به اتباع بیگانه برای سکونت نامنظم (مقطعی) در کشور. به علاوه بند یکم ماده ۳۹-۱۳۱ مقرر کرده است، مجازات انحلال، در فرضی که شرکت و یا شخصیت حقوقی ایجاد شده و مجازات جرم ارتكابی (برای اشخاص حقیقی) حداقل سه سال حبس جنحه‌ای باشد یا موضوع آن برای ارتكاب جرم تغییر یافته باشد، باید مورد حکم قرار گیرد.

مفهوم مخالف این ماده آن است که اگر مجازات عمل ارتكابی بیش از سه سال نباشد، شخص حقوقی نباید منحل شود؛ ولی شرط انحلال شخص حقوقی آن است که در لحظه تأسیس برای اهداف مجرمانه تشکیل شده باشد یا ارتكاب جرم مستلزم پیش از سه سال حبس، موجب انحلال آن را فراهم آورد. مثلاً شرکتی برای به کار گرفتن افراد آسیب‌پذیر و پناه دادن آنان برخلاف کرامت انسانی شان تشکیل شده باشد. (ماده ۱۴-۲۲۵) اگر مجازات عمل ارتكابی (برای شخص حقیقی) بیش از سه سال حبس باشد ولی شخص حقوقی در حین ارتكاب عمل تغییر موضوع داده باشد. مثلاً یک شعبه بانک برای اهداف مشروع قانونی تشکیل شده، اقدام به تطهیر پول‌های کثیف ناشی از قاچاق مواد مخدر کند. مصداق تغییر موضوع فعالیت با ارتكاب اتفاقی یک عمل مجرمانه، محقق نمی‌شود. رویه قضایی در این مورد قایل به تفسیر مضیق شده و از مفهوم تغییر موضوع، جهت‌گیری و سوق دادن فعالیت شرکت به سمت و سوی جرم را استنباط کرده است. تغییر عمیق و

ماندگار موضوع واقعی شخصیت حقوقی، در طول دوره فعالیت خود را اراده کرده است. در مورد تصفیه شرکتی که به موجب حکم دادگاه منحل شده (برحسب این که تصفیه شخص حقوقی به دادگاه شهرستان (مدنی) یا دادگاه تجاری ارجاع شود سهام‌داران از عملیات تصفیه شرکت بهره‌ای نمی‌برند. زیرا، اموال شرکت از طریق متقالبانه به دست آمده^{۹۴} است.

۲. ممنوعیت از انجام فعالیت‌های حرفه‌ای

این مجازات در قانون سابق فرانسه حتی در مورد اشخاص حقیقی پیش‌بینی نشده بود. در مورد بعضی از فعالیت‌های مدنی و سیاسی معمول می‌شد و فرد را از انجام بعضی از اعمال حقوقی محروم می‌ساخت و جنبه پیشگیرانه داشت. در قانون جدید در مورد کلیه اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی پیش‌بینی شده است. این مجازات دارای صبغه اقدام تأمینی است و غالباً به حرفه‌هایی تعلق می‌گیرد که صاحب حرفه در حین اجرای فعالیت‌های حرفه‌ای مرتکب جرم شده است. مانند پزشکی که در حین انجام درمان بیماران، اقدام به سقط جنین کرده است؛ یا مدیر رستورانی که آن را محلی برای پانندازی (قوادی) قرار داده است. ممنوعیت شامل اعضاء هیأت مدیره و مدیران نمی‌شود؛ در این صورت مجازات اقدام به تأسیس شخصیت حقوقی دیگری نمایند. در صورت محکومیت فردی به مجازات ممنوعیت از انجام حرفه معین، حق تأسیس شخصیت حقوقی دیگری^{۹۸} برای انجام آن حرفه را ندارند.

94. Desportes, (F), et all. Op.cit., pp 825-826.

95. Act Juridique

96. Pradel, (J), op.cit. p 460.

97. Stefani, (G), et all. Op.cit., p 484.

98. Baizard, op.cit p 340.

باید دید قلمرو اعمال این مجازات تا چه حدی است؟ مواد ۲۸-۱۳۱ و ۴۸-۴۳۴ دامنه اعمال آن را معین کرده است که شامل فعالیت‌هایی می‌شود که جرم به مناسبت انجام آن‌ها یا در حین انجام آن‌ها، ارتکاب یافته باشد.

ضمانت اجرای نقض ممنوعیت از اشتغال به حرفه یا شغل معین را ماده ۴۰-۴۳۴ در مورد اشخاص حقیقی، دو سال حبس جنحه‌ای و سی هزار یورو مقرر کرده است. قلمرو اعمال آن از لحاظ نوع جرائم، محدود به جرایم مذکور در ماده (۷-۲۲۱) جرایم غیر عمدی علیه تمامیت جسمانی، (۲-۲۲۳)، ایجاد محیط خطر برای دیگری، (۷-۲۲۶)، تعرض به حریم زندگی خصوص افراد، (ماده ۹-۲۲۶) جرایم مربوط به انتشار تصویر یا مونتاژ تصویر دیگری و انتشار آن و غیره.^{۹۹}

۳. تعطیل دائم یا موقت مؤسسه یا بنگاه یا محل کار

مجازات تعطیل دائم یا موقت محل کسب و کار، به محل کار و فعالیت شخص حقوقی تعلق می‌گیرد و مانع از ادامه تولید یا ارائه خدمت، به صورت دائم یا موقت، از طرفی مانع از آن است که مرتکب محل کار خود را وسیله و جایگاهی برای ارتکاب جرم قرار داده، به عملیات بزه‌کارانه ادامه دهد. ملاحظه می‌شود مجازات جنبه اقدام (تدبیر) تأمینی دارد. زیرا، هدف آن پیشگیری از تکرار جرم است. این مجازات هیچ‌گونه نفعی برای خزانه دولت در بر ندارد؛ ولی مرتکب را از کسب درآمد در آن محل، محروم می‌سازد. ماده ۳۹-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه آن را در مورد اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. هم چنین ماده ۵-۲۲۲ (بند ۲) در مورد جرایم مذکور در ماده ۳۵-۲۲۳ (تهیه و تولید غیرمجاز مواد

99. Levasseur (G) et, all op. cit. p 28.

فرج‌اللهی رضا، پیشین، ص ۱۵۲-۱۵۳

مخدر) و ماده ۳۶-۲۲۴ (در مورد صادرات و واردات مواد مخدر) مجازات بستن مؤسسه یا بنگاه را مقرر کرده است.^{۱۰۰}

یادآور می‌شود که محل تعطیل شده را (در صورت بستن دائم آن) نمی‌توان به فروش رساند. زیرا، از اموال شخص حقوقی است و فروش آن به ضرر طلبکاران خواهد بود.^{۱۰۱}

ماده ۲۲-۲۲۵ اشخاص حقوقی را که محلی برای فحشاء فراهم کرده یا در تدارک آن مساعدت مالی کنند. یا اداره آن را به عهده، بگیرند یا انجام خدمتی را بپذیرند، همانند اشخاص حقیقی مستوجب مجازات تعطیل محل کسب به مدت پنج سال به عنوان مجازات تکمیلی دانسته است.

ج) مجازات‌های محدودکننده حقوق

این نوع مجازات‌ها نسبت به مجازات‌های سالب حقوق، ملایم‌ترند؛ ولی تأثیر آن‌ها را بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، شخص حقوقی، نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا، بعضی از ممنوعیت‌ها مانند ممنوعیت از صدور چک، موجب رکود فعالیت‌های اقتصادی شخص حقوقی می‌شود. علاوه بر این صلاحیت و توان شخص حقوقی (همانند مجازات‌های قبلی) را محدود می‌سازد. توسل به این ضمانت اجراها برای اشخاص حقوقی ملهم از مکتب دفاع اجتماعی است، که شعارشان این است که کمتر باید مجازات کرد، بلکه باید از جامعه و فرد دفاع نمود و از شخص حقوقی هم باید دفاع کرد.^{۱۰۲}

۱. تحت مراقبت قضایی قراردادن شخص حقوقی

100. Pradel, (J), op.cit. p 594.

101. Cornu, (G), op.cit p 343.

۱۰۲. به فصل دوم مارک، آنسل، دفاع اجتماعی مراجعه کنید.

در حقوق فرانسه این مجازات مختص اشخاص حقوقی است و از نوآوری‌های قانون جدید این کشور است.^{۱۰۳} با مراقبت از محکوم علیه حقیقی که تحت نظام تعلیق مراقبتی است مشابهت دارد. بند سوم ماده ۳۹-۱۳۱ آن را به عنوان مجازات اصلی در امور جنایی و جنبه‌ای برای اشخاص حقوقی ذکر کرده است. ماهیت این مجازات جنبه پیشگیرانه و صیغه تدبیر تأمینی دارد و به شخص حقوقی این امکان را می‌دهد که در صدد اصلاح رفتار خود و جبران اشتباه برآید. در ماده ۳۶-۱۳۱ نیز به عنوان مجازات تکمیلی پیش‌بینی شده است. این مجازات در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی و احزاب و گروه‌های سیاسی و سندیکاها قابل اجرا نمی‌باشد. نحوه اجرای آن به این صورت است که یک نفر نماینده دستگاه قضایی، تحت امر قاضی اعمال مجازات‌ها به مدت شش ماه، شخص حقوقی را تحت مراقبت قرار می‌دهد و گزارش خود را در پایان مهلت شش ماه به قاضی اعمال مجازات‌ها تقدیم می‌کند. در صورتی که گزارش نماینده دستگاه قضایی حاکی از اصلاح شخص حقوقی باشد؛ مرجع صادرکننده حکم می‌تواند مجازات خفیف‌تری را مورد حکم قرار دهد.^{۱۰۴} مدت مراقبت از یک یا پنج سال در نوسان است.

۲. ممنوعیت از جلب پس اندازهای عمومی^{۱۰۵}

این ضمانت اجراء دارای قلمرو محدودی است و در موارد اندکی دادگاه می‌توان آن را مورد حکم قرار دهد و منحصر به شرکت سهامی است که سرمایه آن‌ها ۱۵۰۰۰۰۰ فرانک است و نیز شرکت‌های مدنی که در امور ساختمانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. جلب پس اندازها و اوراق قرضه موجب تقویت بنیه مالی شرکت می‌شود. البته از این طریق

۱۰۳. مراقبت قضایی در مرحله تحقیق برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده ولی جنبه مجازات ندارد.

104. Stefani, (G), et all. Op.cit., p 451.

105. Intérdition de Faire Appel Public à Epargne.

نمی‌تواند سرمایه خود را افزایش دهد، ولی موجب سوق دادن شرکت در مسیر تجاری می‌شود، از طرفی سپرده‌ها یا وجوهی را که مردم در اختیار شرکت قرار می‌دهند از خطر حیف و میل حفظ می‌کند. ماده ۴۷-۱۳۱ مقرر می‌دارد که جلب پس‌اندازهای مردم، مانع از سرمایه‌گذاری شرکت در هر زمینه‌ای، از جمله توسل به مؤسسات اعتباری، بنگاه‌ها یا مؤسسات مالی و شرکت‌های خرید و فروش بورس و شرکت‌هایی که در امور تبلیغات و آگهی فعالیت می‌کنند، می‌شود.^{۱۰۶}

۳. محرومیت از انجام معاملات دولتی

(که یک طرف معامله دولت یا مؤسسات عمومی است.)

این ضمانت اجرا برای مدت پنج سال یا به صورت قطعی و دائم علیه اشخاص حقوقی اعمال می‌شود و نسبت به کلیه اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و حقوق عمومی، قابل اعمال است. زیرا، معاملات دولتی از چنان حساسیت و اهمیتی برخوردارند، که طرف قرارداد باید مورد اعتماد باشد.

محرومیت از مشارکت در معاملات دولتی، نسبت به معاملاتی که شخص حقوقی با دولت یا مؤسسات عمومی منعقد کرده ولی جنبه اجرایی پیدا نکرده است، تسری پیدا می‌کند.

سئوالی که در این مورد به ذهن خطور می‌کند، این است که مؤسسات دولتی به هنگام انعقاد قرارداد با اشخاص حقوقی باید سوابق آن‌ها را بررسی کنند یا نه؟ جواب منفی است؛ زیرا، در صورت انعقاد قرارداد با شخصیت حقوقی که دارای ممنوعیت معاملاتی است، حق فسخ معامله را دارند و شخص حقوقی باید خسارت ناشی از فسخ معامله را جبران کند.

106. Délèbèque (P), op.cit. , pp. 353-345, Desports, (F) et all. Op.cit , p 828.

ماده ۳۴-۱۳۱ ممنوعیت از انجام معاملات دولتی را چنین تعریف کرده است: «محرومیت از انعقاد قراردادهای دولتی عبارت از منع شرکت مستقیم یا غیرمستقیم در انعقاد هر نوع قراردادی است، که طرف قرارداد دولت یا مؤسسات عمومی یا ادارات تابع آن‌ها است، یا معاملاتی که مؤسسات دولتی انجام آن را به غیر واگذار کرده‌اند، یا تحت نظارت دولت یا مؤسسات دولتی، انجام می‌شود».

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که حدود دو قرن سیطره اندیشه کلاسیک، مبنی بر اختصاص مسئولیت کیفری به انسان ذی‌شعور و واجد آزادی اراده، فقط در عالم نظر جلوه‌ای کم‌رنگ داشت، با ظهور اندیشه اثبات‌گرایان فرانسوی و نفی آزادی اراده مجرم، از عالم نظر وارد دنیای عمل و قانون‌گذاری شد. امروزه در بسیاری از کشورهای اروپا و در آمریکای شمالی و کانادا، اشخاص حقوقی به عنوان تابعان حقوق کیفری مطرح‌اند. و در صورت تحقق شرایط مسئولیت کیفری، مورد تعقیب قرار می‌گیرند و به مجازات‌های مالی و سلب حقوق و محدودکننده حقوق محکوم می‌شوند. مجازات‌هایی که غالباً برگرفته از دیدگاه جرم‌شناسان اثبات‌گرا و دنباله روان آنهاست که به صورت جایگزین یا مجازات درباره اشخاص حقیقی اعمال می‌شوند، که نوعاً نقش پیشگیرنده دارند. ناگفته نباید گذاشت که بعضی از مجازات‌ها مانند انحلال که در حکم سلب حیات شخص حقوقی است، جنبه سرکوبگرانه و سزاگرایانه دارد.

فهرست منابع

۱. فارسی

۱. احمد محمد قائد مقبل، مسئولیت‌ه الجنائیه للشخص المعنوی، دراسه المقارنه، دارالنهضة العربیه، ۲۰۰۵، ص ۴۸.
۲. اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، ص ۲۳.
۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، ص ۱۳.
۴. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، مسئولیت کیفری بین المللی دولت، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۵ سال ۷۳.
۵. طباطبایی سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۱۹ به نقل از صفار، دکتر محمدجواد، پیشین، ص ۲۴.
۶. طباطبایی سیدمحمدحسین، مشهور به علامه طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد دوم، انتشارات صدرا، ص ۳۱.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدتقی مصباح، جلد سوم، مؤسسه دارالعلم قم، ص ۷۳.
۸. صفار، دکتر محمدجواد، شخصیت حقوقی، نشر دانا، ۱۳۷۳ ص ۹۹.
۹. فرج الهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۶، ص ۱۸.
۱۰. کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت انتشار، سال ۱۳۷۵، ص ۱۹۳.
۱۱. محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱.

۲. لاتین

12. Borricand (Jacque), Simon (Ann Marrie) Droit pénal, procédure pénale, 4 ed, Sirex, 2004.
13. Baizard (Martine) Amende, Confiscation, Affichage, à la Communication de la décision. Revue de société exteriart du N 2, 1993, p. 331.
14. Cornu (Gerar), Vocabulair juridique, Association Capitan Henri, puf. 1997.
15. Corlett (Anglo) Responsibility and punishment, Kluwer Academic publisher, 2004.
16. Desportes (Frederic) Le Gunehes (Francois) Droit pénal général, 12 ed, Economica, 2005.
17. Delebeque (Philip), Les Sanction de l'article 131-39, 3 , 5 , 6 Revue des Sociétés, 1993.
18. Pradel (Jean), Droit pénal général, 12 édition, Cutas, 1999.
19. Picard (Etienne) Revue des Sociétés axtrait, N2.
20. Levasseur (George) et Chavann (Albert) Montruil (Jean) Cour élémentaire de droit pénal et procédure pénale, 11 éd, Sirey, 1993.
21. May aud (Yves) Droit pénal général, puf, 2004.
22. Merle (Roger), Vitu (Andre), Triaté du Droit Criminel, 2 éd, Cuyas, 1987, Paris.
23. Stefani (George) Levasseur (George) Bouloc (Bernard) Droit pénal général, 21 édition, Dalloz, 2007.